۱۶

آفتاب

بصیرت امام

هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

شماره شانزدهم، بهار ۱۳۹۸



جوان انقلابی ایستاده است

بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله العالی
در دیدار ائمه جماعات مساجد
استان تهران، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵

آفتاب ـ هیأت تراز انقلاب‌اسلامی در بیانات امام‌خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی)
شماره شانزدهم، بهار ۱۳۹۸

جوان انقلابی ایستاده است
بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در دیدار ائمه جماعات استان تهران؛ ۳۱مرداد۱۳۹۵

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: حسن ناصری
صفحه آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم، صندوق پستی: ۱۵۱۳ ـ ۳۷۱۹۵
رایانامه: info@۱۵۴۲.org
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org



مقدمه

امروزه، جامعه اسلامی ما همانند دیگر جوامع، از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام فاصله دارد که برای رسیدن به الگوی مسجد تراز اسلامی نیاز به کم کردن این فاصله‌ها داریم. مسجد تراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نظامی و... است. برای تبیین جایگاه و شاخصه‌های مسجد تراز اسلامی باید بازگشتی به صدر اسلام داشت و بررسی کرد که در آن زمان هدف از تشکیل بنای «مسجد» چه بوده و نیات و خواسته‌های پیامبرﷺ در مورد مسجد چیست؛ ازاین رو مشخص کردن کارکرد مسجد در صدر اسلام می‌تواند بهترین الگو در تهیه و تدوین مسجد جامع تراز اسلامی باشد. بنابراین، با تشریح ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام، سیمای مسجد تراز اسلامی، برای ما به خوبی روشن می‌شود. مسجد در صدر اسلام «کانون عبادت، تعلیم و تربیت، فعالیت‌های سیاسی، مرکز دادخواهی و قضاوت، پایگاه نظامی، پایگاه تعاون اجتماعی و وحدت اجتماعی» بوده است.

هیأت تراز انقلاب اسلامی، هرگز نمی‌تواند نسبت به مسجد بی‌تفاوت باشد. جدای از آن‌که مسجد، پایگاه و جایگاهِ هیأت تراز انقلاب اسلامی است؛ مسائل و دغدغه‌های

هیأت و مسجد، مشابهتِ بی‌شماری دارند؛ جوان‌محوری، جذب جوان، پایگاه فعّالیّت‌های اجتماعی، هسته مقاومت فرهنگی، تأثیرگذاری بی‌همتا، جدایی از سکولاریسم، حفظ تاریخ شفاهی و... برخی از ویژگی‌ها و دغدغه‌های هیأت است که رهبر معظم انقلاب در دیدار با ائمه محترم جماعات تهران، به تبیین وضعیت آنها در مسجد پرداخته‌اند. این بیانات، نوری است برای تبیین ابعاد دیگری از «هیأت تراز انقلاب اسلامی». رهبر معظم انقلاب در این دیدار، ائمه جماعات را به توجه هر چه بیشتر به ظرفیت‌های مسجد و ارتباط بیشتر با جوانان دعوت نمودند. جایگاه مسجد در حرکت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و معرفی مسجد به عنوان مرکز مشورت و تصمیم‌گیری‌های مهم و همچنین توجه ویژه به نماز و ذکر و ارتباط عمیق با خدای متعال از محورهای بحث ایشان در این دیدار می‌باشد.

پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد در گزارشی[1] با گرامی‌داشت روز جهانی مسجد، گفت: مسجد زمینه‌ساز ارتقای بصیرت مردم و مرکز تربیت مجاهدان و مؤمنانی در تراز انقلاب اسلامی است. آقای حاج علی‌اکبری با بیان اینکه بیش از ۹۷ درصد شهدای کشور از پرورش‌یافتگان مساجد هستند، خاطرنشان کرد: «تعیین چشم‌انداز»، «فرهنگ‌سازی»، «همکاری ائمه جماعات»، «تشکیل جبهه مشترک و متحد برای گفتمان‌سازی»، «استفاده از ظرفیت نخبگان و جوانان»، «اداره مسجد با مشارکت مردم» و «استفاده از ظرفیت مسجد برای ساخت جامعه مؤمن»، از مهمترین اهداف و برنامه‌های مساجد است.

متن حاضر، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ائمه جماعات استان تهران می‌باشد که به مناسبت روز جهانی مسجد ایراد گردیده است.

۱. در ابتدای این دیدار ـ که به‌مناسبت روز جهانی مسجد برگزار شد ـ حجّت‌الاسلام والمسلمین محمّدجواد حاج‌علی‌اکبری (رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد) گزارشی ارائه کرد.

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

به همه شـــما برادران عزیز و همـــکاران محترم خوش‌آمد عـــرض می‌کنم. یکی از چیزهایی که انســـان جا دارد جزو افتخارات کاریِ خود به‌حســـاب بیاورد و این حقیر هم این کار را می‌کنم، عبارت اســـت از خدمـــت در جایگاه امامت مساجد؛ ما هم با شما در این زمینه همکاریم. خیلی خوش آمدید و جلســـه همان‌طور که آقای حاج‌علی‌اکبری بیان کردند، واقعاً جلســـه مهم و متفاوتی است؛ با جلسات دیگر ما در اینجا تفاوت‌های اساســـی دارد. از بیانات پُرمغز آقای حاج‌علی‌اکبری تشکّر می‌کنم که هم مفید و جامع بود، هم زیبا و خوش‌ساخت و خوش‌ترکیب بود. ما خرسند می‌شویم وقتی‌که مشـــاهده می‌کنیـــم زبان‌های گویـــای روحانیّت بحمـــدالله از برجســـتگی‌ها و از زیورهـــای بیانی و فکری برخوردارند. ایشان نکات مهمّی را بیان کردند و مژده‌هایی را که بنده به‌طور کامل از آنها مطّلع نبودم ذکر کردند. بنده هم چند نکته را در همین زمینه‌ها عرض می‌کنم.

مسجد، پایگاهی بر محور ذکر و دعا

اوّلین مسئله، اهمیت خود مسجد است و این ابتکاری است که اســـلام در آغاز ولادت خود برگزید و محل تجمّع مردم را بر محـــور ذکر و دعا و توجّه به خـــدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عدّه‌ای دور هم جمع می‌شـــوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار می‌کنند، داده‌ها و گرفته‌هایِ فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتّفاق بیفتد؟ مثلاً در باشـــگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلـــف اتّفـــاق بیفتد کـــه در غرب معمول اســـت یا در

قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل] روم باستان که آن‌وقت در حمّام‌ها یک چنین اجتماعاتی تشـــکیل می‌شد و مردم دُور هم جمع می‌شدند و رفتن حمّام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشـــنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه صلاة است؛ این خیلی فرق می‌کند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن‌وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهـــت دیگری پیدا می‌کند، دل‌ها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.

بله، معبد در همه ادیان هســـت ـ که می‌نشینند در آنجا و عبادت می‌کنند ـ لکن مســـجد با معابد مسیحی و یهودی و بودایی و بعضی جاهای دیگر که ما دیده‌ایم یا شنیده‌ایم متفاوت است. در مسجد، پیغمبر اکرمﷺ نمی‌رفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: «اَلصلوةُ جامِعَة»[1] بروید به ســـمت محل صلاة؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مســـئله جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا امکانات و بقیّه چیزها بســـیج را کنیم و شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که مساجد، مرکزی برای تعلیم بود؛ می‌شنویم و در روایات می‌خوانیم که در مســـجدالحرام یا مسجدالنّبی حلقه درس زیـــد و عمرو و بکر از نحله‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشـــت؛ معنای این با کلیسا یا با کنیسه یهودی خیلی متفاوت اســـت که فقـــط می‌روند آنجا، یک عبادتی می‌کنند و بیرون می‌آیند. مسجد، پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است.

این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمّی است؛ این‌ها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثّر تر است، هم از صداوسیما مؤثّر تر است، منتها خب دایره‌اش محدود است.

۱. وسائل‌الشّیعه، ج ۲۳، کتاب‌الایمان، ص۲۴۳.

به عمق اذکار نماز باید رسید

از اینجا اهمّیت نماز هم معلوم می‌شود. خود ماها بِأشخاصِنا[1]، احتیاج داریم به اینکه به نماز با یک نگاه دیگری نگاه کنیم. البتّه، بحمدالله شماها همه از فکر برخوردارید، از منطق، از آشنایی با معارف الهی و دینی برخوردارید؛ بنده برای تذکّر به خودم عرض می‌کنم؛ ماها، عموم مردم، آنچنان‌که باید و شاید، همچنان قدر نماز را نمی‌دانیم. نماز به معنای واقعی کلمه، عمود دین است؛ معنای عمود این است که اگر نبود، سقف فرو می‌ریزد؛ بِنا، شکل بناییِ خود را از دست می‌دهد؛ نماز این اســـت. بنابراین پیکره عظیم دین بر نماز متوقّف است. کدام نماز می‌تواند این پیکره را حفظ کند؟ آن نمازی که دارای خصوصیّات مطلوب خود باشد: «قُربانُ کُلِّ تَقیّ»[2]، ناهی از فحشـــا و منکر، نمازی که با ذکر همراه باشـــد؛ «وَ لَذِکرُاللهِ اَکبَر»[3]؛ این ذکری را که در درون نماز است، هم باید عمل کنیم، هم باید ترویج کنیم.

به‌نظر بنده یکـــی از کارهای مهمّ ائمّه محترم جماعات در مساجد، تبیین مسئله نماز برای مردم است که قدر نماز را بدانیم؛ اگر این شـــد، نمازها کیفیّت پیدا خواهد کرد. واقع قضیّه این است که نمازهای ما در موارد بسیاری بی‌کیفیّت است یا کیفیّت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید. خب، نماز ما [باید] از این آفات چارواداری مصون و محفوظ بماند؛ یعنی آفت غفلت درحال نماز، بی‌توجّهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات اســـت. به قول مرحوم آقای مشکینی که اینجا در همین حسینیّه می‌گفتند اگر یک دستگاهی اختراع بشود که انسان بتواند به مغز خودش آن را متّصل کند و خاطرات

۱. فرد فرد ما.

۲. کافی، ج ۳، ص۲۶۵؛ «[نماز] نزدیک‌کننده هر متّقی [به خدا است]».
۳. سوره عنکبوت، بخشی از آیه ۴۵؛ «... و قطعاً یاد خدا بالاتر است...»

ذهــن را در طول نمــاز از اوّل تا آخــر در آن ضبط بکند، یک چیز عجیب‌وغریبــی از آب درمی‌آید. از اوّلی که وارد نماز می‌شــویم تا آخر نماز، ذهن کجاها می‌رود، کجاها را سِیر می‌کند، چه مســائلی را حل می‌کند، به چه مسائلی دلبستگی و فریفتگی و دلباختگی نشان می‌دهد. این یکی از آن آفاتِ به تعبیر بنده چارواداری اســت. اگر از این آفت توانستیم خودمان را محفوظ بداریم و نیز از یک آفت دیگر که ریا [اســت] ـ «وَ ابرَأ قَلبی مِن الرِّیاءِ وَ السُّمعَةِ وَ الشَّکِّ فی دینِک»[1] که در دعا هست ـ توانســتیم خودمان را نجات بدهیم، تازه نماز ما می‌شود یک نماز عادی و معمولی؛ عمق نماز، باز محفوظ نیست.

خب، وقتی ما می‌گوییم «سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَ بِحَمدِه»، این عظمت را چه [می‌دانیم]؟ چــه تصوّری از این عظمت در دل ما است؟ این عظمتی که در مقابل او تعظیم می‌کنیم و او را تســبیح می‌کنیم و تقدیس می‌کنیم، چیست؟ آن معدن عظمتی که در این دعا مورد توجّه قرار می‌گیرد که «هَب لی کَمالَ الاِنقِطاعِ اِلَیک» تا برسد به «اِلی مَعدِنِ العَظَمَة»[2]، کجا است؟ چیست؟ «سُبحانَ رَبِّیَ العَظیم، سُبحانَ رَبِّیَ الاَعلی، اِیّاکَ نَعبُدُ وَ اِیّاکَ نَستَعین»[3]؛ ما هیچ توجّهی به این معانی و این مفاهیم عمیق، عبودیّت انحصاری خداوند، استعانت انحصاری از خداوند، دل را با این معارف آشنا کردن، نماز را با این کیفیّت به جا آوردن داریم؟ خب ما یک مقداری باید تمرین کنیم تا به این جاها برسیم.

۱. کافی، ج ۲، ص۵۸۶، کتاب‌الدّعاء.
۲. اقبال‌الاعمال، ج۲، ص۶۸۷، باب نهم.
۳. سوره حمد، آیه ۵؛ «تو را می‌پرستیم تنها و بس، به جز تو نجوییم یاری ز کَس»

مسجد
می‌تواند پایگاه همه
کارهای نیک باشد؛ پایگاه
خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر
دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن
و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن
اسلامی و بصیرت‌افزاییِ
افراد.

مثل یک امر محبوب و مطلوب دنبال نماز برویم

البتّه اکثر جمع حاضر بحمدالله جوان هستید و این کارها در جوانی خیلی آسان است. در سنین ماها این کارها خیلی مشکل است. [اگر] در سنین ما بخواهیم شروع کنیم، این کارها، کارهای سختی است. در سنین جوانی این کارها خیلی آسان است. این کیفیّت را به نماز ببخشید، این رنگ و بو را به آن بدهید؛ آن‌وقت نماز در درون انسان رونق به وجود می‌آورد. این تراوش می‌کند و سرریز می‌شود به همه کسانی که متوجّه نماز ما هستند و با ما نماز می‌خوانند. بعضی از روایات در باب امام جماعت دارد که حسنات مأمومین و وِزر مأمومین بر دوش امام جماعت است. مراد از این، آن چیزهایی که مبطل نماز است نیست، یعنی همین مفاهیم عالی. اگر چنانچه این‌ها بود، این‌ها آن‌وقت به [مأمومین] سرریز می‌شود. به‌هرحال نماز این است. اینکه ما در درون جامعه خودمان ـ در جامعه اسلامی ـ کسانی را داشته باشیم که با نماز بیگانه باشند، این خیلی چیز بزرگ و خیلی چیز مهمی است. باید جامعه ما این‌جور باشد که مثل یک امر محبوب و مطلوب دنبال نماز برویم؛ نه به‌عنوان یک تکلیفِ از سر بازکردنی؛ به‌عنوان یک چیز شوق‌انگیز، یک چیز جذّاب.

مسجد، پایگاهِ همه کارهای نیک

خب، مسجد بر محور چنین گوهری شکل می‌گیرد؛ اجتماعی است بر گِرد یک‌چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمّیت دارد، پایگاه است؛ همچنان‌که در زبان‌ها معروف شده واقعاً پایگاه است. نه‌فقط پایگاه برای فلان مسئله اجتماعی، [بلکه] مسجد می‌تواند پایگاه همه کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن اسلامی و بصیرت‌افزاییِ افراد؛ «و هَلُمَّ جَرّا»[1]. مسجد یک چنین جایگاهی است.

بنابراین تنها وظیفه امام جماعت، پیش‌نمازی مسجد نیست؛ پیش‌نمازی هم یکی از کارها است. اقامه نماز، اقامه حق و عدل، اقامه دین، ابلاغ احکام دینی، وظیفه ما به‌عنوان پیش‌نماز و به‌عنوان امام جماعت است. یعنی محور مسجد، امام جماعت است، مسجد بر محور امام جماعت [است]. خب اگر این شد، احساس مسئولیّت انسان سنگین خواهد شد.

۱. و به همین ترتیب.

حقّ مسجد باید ادا شود

تصوّر بنده این است که یکی از کارهای اساسی عبارت است از امامت مسجد؛ [این] یک کار مهم است؛ به‌عنوان یک کار حاشیه‌ای نباید به آن نگاه کرد. اینکه ما به کارهای روزانه‌مان، به مشاغل گوناگونمان برسیم، بعد سر ظهر یا مغرب با عجله تمام در ترافیک و مانند این‌ها خودمان را برسانیم ـ نیم‌ساعت، سه‌ربع هم از وقت دیر شده باشد ـ برویم آنجا بایستیم به نماز، این کم گذاشتن در حقّ مسجد است. این را باید یک شغل مهم و اساسی به‌حساب آورد. عرض نمی‌کنیم که وقتی امام جماعت شدیم، از همه کارهای

دیگر دست برداریم؛ نه، انسان می‌تواند به‌قدر ظرفیّت خود به کارهای دیگر علمی یا غیرعلمی بپردازد، لکن حقّ مسجد باید ادا بشـــود. قبل از وقتِ شـــروع نماز، انسان با طمأنینه به مســـجد برود، با سکونِ نفْس آماده نماز بشود، نماز را با کیفیّت خوب بخواند. بعد اگر برنامه حرف‌زدنی دارد، برگردد طـــرف مردم و با مردم حرف بزند، برای مردم تبیین بکند؛ برنامه‌های گوناگونی که در مساجد بحمدالله شماها دارید. زمان ما، آن زمانی که بنده مثلاً در مشـــهد امامت جماعت می‌کردم و مسجد می‌رفتم، خیلی کارها معمول نبود، این کارها را بلد نبودند یـــا بلد نبودیم. هر کاری می‌کردیم، نو به‌حساب می‌آمد. امروز بحمدالله این کارها رایج است. اینکه بین دو نماز یا بعد از نماز، امام جماعت بایستد یا برود روی منبر با مردم حرف بزند یا اینکه مثلاً فرض کنید تخته‌سیاه در مسجد ببرند، حدیث بنویسند، برای مردم تبیین بکنند، یا بنشـــینند با جوان‌های مســـجد حلقه معرفتی تشکیل بدهند، تبیین کنند، سؤالاتشان را بشنوند، این کارها حالا آن‌طور که انسان احساس می‌کند از گزارش‌ها و از حرف‌ها رایج است، آن زمان رایج نبود. آن زمان ائمّه جماعت عمدتاً به این اکتفا می‌کردند که بروند نماز را بخوانند و از مسجد بیرون بیایند. حالا یکی دو مسئله شرعی هم جواب بدهند و سؤالی بشود یا نشود؛ بیش از این نبود، [امّا] امروز بحمدالله این چیزها رایج است و باید روزبه‌روز این را کیفیّت داد.

بنابراین یک مسئله، مسئله گردهماییِ مردمی بر محور نماز و محور ذکر از نظر اســـلام اســـت. اینِ مهم است. بنابراین اگر کار اجتماعی هم در اینجا انجام می‌گیرد، مثلاً تصمیم می‌گیرند که یک تعاونی‌ای برای فقرا درســـت کنند یا در یک امر خیری تعاون کنند، این با توجّه به اقامه صلاة است، با توجّه به ذکر است، برای خدا است، بر محور صلاة است. اگر از مسجد برای رفتن در مقابله دشمن بسیج می‌شوند، این به معنای حرکت جهاد فی‌ســـبیل‌الله هست، بر مبنای خدا است، بر مبنای ذکر است؛ اگر وظیفه پیدا می‌کنند که امورات شـــهری را، امورات محلّه را مثلاً از لحاظ امنیّت، از لحاظ کارهای لازم انجام بدهند، باز بر محور ذکر [است.]

سازمان‌دهی عظیم مسجدی، همه کارهای کشور را انجام می‌داد

یکی از ابتکارات مهمّ امام بزرگوار ما، از هنرهای بزرگ این مرد بزرگ همین بود که از اوّل انقلاب، مساجد را محور قرار داد. آن روزهای اوّل انقلاب، آن‌هایی که یادشان است می‌دانند که همه‌چیز در هم ریخته بود: سلاح بیاورند، جمع کنند، از اینجا بردارند، [نکند] دست‌های غیر مأمونی به کارهایی دست بزنند؛ مرکز تشکّل لازم بود، هسته مرکزی لازم بود؛ این هسته مرکزی را امام بلافاصله همان روز اوّل، حتّی قبل از اینکه اعلام پیروزی بشود، معیّن کردند: مساجد. هرکس از هرجا مثلاً سلاح دست می‌آورد، ببرد [به مساجد]. بعد هم یک سازمان‌دهی عظیم مسجدی تشکیل شد و به وجود آمد که همان کمیته‌های انقلاب بودند که تا مدّت‌های طولانی همه کارهای انقلاب را این‌ها انجام می‌دادند و درواقع همه کارهای کشور را این‌ها انجام می‌دادند. مسجد یک چنین خصوصیّتی دارد که بر مبنای ذکر و نگاه الهی و توجّه الهی و مانند این‌ها است. خب این یک نکته است که اجتماع مردم بر محور ذکر خدا و مانند این‌ها [است.]

مسجد، پایگاه فعّالیّت‌های اجتماعی است

نکته دیگر این است که مسجد پایگاه انواع و اقسام فعّالیّت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آن‌ها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعّالیّت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه اسلامی همه آحاد وظیفه دارند، مسئولیّت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امّت. بنابراین اینجا محلّ پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعّالیّت‌های اجتماعی و پایگاه فعّالیّت‌های اجتماعی است.

مسجد پایگاه فعالیّت‌های اجتماعی است... در جامعه اسلامی همه آحاد وظیفه دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امّت.

مسجد، هسته مقاومت

یک مسئله دیگر در مورد مسجد، عبارت است از هسته مقاومت. وقتی گفته می‌شود «مقاومت»، فوراً ذهن به سمت مقاومت نظامی و امنیّتی و امثال این‌ها می‌رود. خب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، امّا بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه‌چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اوّل بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روش‌ها را هم که شما می‌بینید: این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال این‌ها؛ [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است. با حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی مخالفند به‌خاطر مخالفت با ایمان دینی؛ چون می‌دانند اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد، این نظام به وجود نمی‌آمد، این زلزله و تکانه شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی‌آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی یک تکانه شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دو قطبی بود، با هم مخالف بودند، الان هم همین‌جور است ـ قدرت‌های بزرگ مثل گرگ‌های درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبا را بدرند، در این شکّی نیست ـ امّا همه بر یک اصل متّفق بودند و امروز متّفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملّت‌های ضعیف و حکومت‌های ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آن‌ها و تجمیع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است. این هدف که هدف نظام سلطه است، با پدید

آمدن انقلاب اسلامی مخدوش شد.
امروز شما ملاحظه کنید در منطقه غرب آسیا ـ که اسمش را گذاشـــته‌اند خاورمیانه ـ قدرت‌هـــای درجه یک مادّی دنیا زمین‌گیر شـــده‌اند؛ آمریکا امروز در منطقه غرب آسیا زمین‌گیر است. [این‌ها] امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصـــدی در این منطقه دارند؛ یـــک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت اســـت از تصرّف همه منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها زیر چتر آن‌ها بیایند، از امکانات این‌ها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، [امّا] امروز نتوانســـته‌اند. چه مانع شده است از اینکه مقاصد این‌ها تحقّق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی ـ هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است ـ که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده است. این، مانع شده. اگر اســـلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اســـلامی نبود، تعهّد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اســـلامی هم مثل دیگران زیر چتر همین نظام ســـلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا می‌رفت؛ همچنان‌که دیگران رفتند. بنابراین، آماج حمله آن‌ها همین چیزی است که این بنای اســـلامی را به وجود آورده است؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که ما دیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. یک مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلدبودن شیوه مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمان مردم را به سمت این هدف بلند کشاند و مردم به میدان آمدند؛ وقتـــی مردم در میدان بودند، هیچ قـــدرت مادّی‌ای کاری نمی‌تواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم اســـت که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتّکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.

جوان انقلابی ایستاده است

اینکه بنده بارها تکرار می‌کنم که جوان امروز، از جوان اوّل انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست ـ و من معتقدم که جلوتر است ـ به‌خاطر این است که امروز با این‌همه ابزارهای تبلیغی، با این‌همه شگردهای گوناگونِ فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. ما در عرصه فرهنگ، در عرصه سیاست، در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های هنری الی‌ماشـــاءالله جوان مؤمن داریم؛ البتّه بله، یک‌عدّه‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم می‌دانیم، نه اینکه غافل باشیم امّا این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که به بنده نامه می‌نویسند ـ از این نامه‌ها یکی و دوتا و ده‌تا هم نیســـت، زیاد است ـ و التمـــاس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل‌بیت‌ﷺ بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچّه بگذریم. نامه می‌نویسند ـ واقعاً نامه گریه‌آلود است ـ که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خب می‌خواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است.

مجالس روضه‌خوانی، از فضای مجازی و از صدا و سیما مؤثّرتر است

مســـجد، پایگاه بزرگ بســـیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه کار را باید در مسجد آموخت که چه‌کار کنیم. اوّلاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند این‌ها به‌مراتب کارآمدتر و مؤثّرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاهِ چشم‌درچشـــم و جلسه نزدیک که نفَس گوینده به شـــنونده می‌خورَد، یک‌چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلّی دارد؛ البتّه در کلّ اســـلام

در نمازهای جمعه و امثال این‌ها این هســـت، لکن در بین شیعه، بُروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعـــظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمّی اســـت؛ این‌ها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثّرتر است، هم از صداوسیما مؤثّرتر است، منتها خب دایره‌اش محدود است؛ اگرچنانچه این سلسله عظیم، این تشکیلات عظیم، خوب کار کند و در همه‌جا کار کند، تأثیراتش بر همه این‌ها فائق خواهد آمد و می‌توانید شـــما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیّت ببخشـــید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد به‌طرف این کشور و طرف این نظام سرازیر می‌شود، واکسینه کنید. بنابراین [مسجد] هســـته مقاومت اســـت، منتها مقاومت بِاَنواعه[1]؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاســـی و درجای خـــود هم مقاومت امنیّتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [اینگونه بوده است]. این آماری که جناب آقـــای حاج‌علی‌اکبری گفتند، خیلی آمار مهمّی اســـت؛ اینکه ایشـــان گفتند که ۹۷ درصد از شهدای ما مسجدی بوده‌اند ـ اگر تحقیق بشود ـ این خیلی حرف مهمّی اســـت. از هر صنفی: دانشجو است مسجدی است، کاسب است مســـجدی است، دانش‌آموز دبیرستانی اســـت مسجدی است. از مسجد حرکت کردن و راه افتادن و رفتن به میدان‌های جنگ و جان خودشان را کف دست گرفتن، به زبان آسان است؛ جان در کف دست گرفتن، جان فدا کردن به زبان [آسان است]؛ «وَ لَقَد کُنتُم تَمَنَّونَ المَوتَ مِن قَبلِ اَن تَلقَوهُ فَقَد رَاَیتُموهُ وَ اَنتُم تَنظُرون»[2]، انسان خب می‌گوید که بله ما جانمان [را می‌دهیم]؛ آن‌وقتی که در مقام عمل با مرگ مواجه می‌شود، جور دیگری است، خیلی سخت است. این جوان‌ها از مسجد رفته‌اند و جان خودشان را در راه خدا داده‌اند؛ نقطه عزیمت، عبارت است از مسجد؛ خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمّی است.

۱. با همه انواع آن.

۲. سوره آل‌عمران، آیه۱۴۳؛ «شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید سخت آرزو می‌کردید؛ پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه می‌کردید.»

بایستی برای جوان‌ها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید برای جذب جوان برنامه‌ریزی کرد.

در دل فرهنگ، سیاست هم هست

بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعّالیّت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن‌وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدم‌ها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدّن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمّی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشانَد؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوته‌نظری می‌کنند، کوته‌بینی می‌کنند و همه چیزها را در دوستی یا دشمنی با یک شخص منحصر می‌کنند. یک شخص یا یک جریان چه اهمّیّتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان‌شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پایشان می‌لغزد این[جور] است.

در ایّام فتنه در سال ۸۸ در اوّل کار، بنده یکی از این سران فتنه را خواستم و به او گفتم که آقاجان، این کاری که شما شروع کرده‌اید و دارید می‌کنید، دست بیگانه‌ها خواهد افتاد و دشمن از این استفاده خواهد کرد؛ شما حالا

بظاهر درون نظام هستید، با نظام هستید و به قول خودتان دارید یک اعتراض مدنی ـ مِن‌باب‌مثال یک اعتراض به انتخابات ـ می‌کنید، امّا این کاری که دارید می‌کنید مورد استفاده دشمنانِ اصل نظام قرار خواهد گرفت؛ گوش نکرد؛ یعنی نفهمیدند که چه داریم می‌گوییم؛ حالا البتّه این نگاه خوشبینانه بنده است که می‌گویم نفهمیدند، بعضی هم ممکن است جور دیگری فکر کنند. وارد شدند؛ بعد دیدید از درونش چه درآمد؛ گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است». خب، حالا عذر بیاوریم که این‌ها که یک مشت جوان بودند، یک چرندی، یک حرف بی‌ربطی گفتند؛ نه، این‌جوری نیست. اگر چنانچه در زیر عبای بنده کسی حرفی بزند که من با آن مخالفم، خب بایستی او را از زیر عبایم بیرون کنم؛ بایستی اعلام کنم که مخالفم وَالّا به‌حساب من گذاشته خواهد شد؛ همه وزن و وزانتی که صاحب عبا دارد، پشتوانه آن حرف خواهد شد. حرف، این‌ها است؛ ببینید! نگاه به مسائل جاری، این‌جوری باید باشد؛ بصیرت سیاسی که ما می‌گوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا می‌برد، به کجا دعوت می‌کند، به کجا می‌کشانَد. آیا به سمت اهداف اسلامی داریم حرکت می‌کنیم؟ به سمت تدیّنِ روزافزون جامعه داریم حرکت می‌کنیم؟ یا آن‌چنان‌که دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتی بیشتر حرکت می‌کنیم، به سمت دلباختگی بیشتر به اقطاب[1] مخالف دین داریم حرکت می‌کنیم. آن بصیرت سیاسی، این است. اگرچنانچه این را فهمیدیم، آن‌وقت معلوم می‌شود که بایستی با زید باشیم یا با عمرو باشیم، یا از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه این نگاه کلان باید فهمید. این هم یک مسئله است.

جوان‌ها را باید جذب مسجد بکنیم. این‌که جوان مسجد را خانه خود و جایگاه خود بشناسد و به آن اُنس پیدا کند و رفت‌وآمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد.

۱. قطب‌ها، جهت‌ها.

مسجد، بایستی برقرار باشد

یک نکته‌ای که بنده بارها این را عرض کرده‌ام، این است که مسجد بایستی برقرار باشد؛ که حالا خب [با توجّه به] آمارهایی که بیان کردند، بحمدالله تا حدودی گویا این‌جور شده، تحقّق پیدا کرده، لکن باید کامل بشود. وقت نماز، مسجد باید باز باشد. هرسه وقت در مسجد باید نماز جماعت برگزار بشود؛ بنا را بر این باید گذاشت. حالا ممکن است بنده مثلاً فرض کنید توانایی ندارم که هرسه وقت بروم، خب یک نفر دیگر را حتماً آنجا بگذارم که سه وقت در این مسجد نماز اقامه بشود و درِ مسجد از پیش از ظهر که باز می‌کنند برای نماز ظهروعصر، تا شب بعد از نماز عشا باز باشد؛ این‌جور نباشد که درِ مسجد را ببندند. بنده شنیدم بعضی‌ها می‌گفتند «عصری وارد تهران شدیم، نماز ظهر و عصر می‌خواستیم بخوانیم، درِ هر مسجدی رفتیم بسته بود»؛ البتّه مال چند سال پیش است؛ نه، مسجد باید باز باشد.

جفای بزرگ در حقّ مسجد

یک نکته دیگر این است که بعضی‌ها مسجد را ـ برخلاف آنچه ما حالا عرض کردیم ـ از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلّی برکنار بدارند. [می‌گویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به‌معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به‌معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هرکسی در داخل نظام اجتماعیِ متنوّع غربی و شرقی و امثال این‌ها خودش برای خودش، در دلِ خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان

چیزی است که دشـــمنان می‌خواهند؛ دشمنان همین را می‌خواهند. آن دینی که بـــا آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی اســـت که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اســـلام را قدرتمند می‌کند؛ با آن مخالفند. از اســـلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اســـلامی که دارای قدرت اســـت، دارای نظامات است، دارای سیاســـت است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلّح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است]. از این‌جور اسلامی می‌ترسند وَالّا از اسلامی که ولو یک میلیون طرف‌دار هم فـــلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشـــور یا در سراسر دنیا داشته باشد امّا قدرتی در اختیار ندارد، واهمه‌ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمی‌کنند. آن اســـلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشـــمنند، کینه آن را در دل می‌پرورانند، اسلام مقتدر اســـت. آن‌وقت ما بیاییم اسلام را در کانون‌های اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مصیـــر[1] جامعه بکلّی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی در حقّ مسجد است.

۱. جایی که کار بدان جا ختم می‌شود.

در مسجد برای جوان‌ها، جایگاه خاص ایجاد شود

یک نکته دیگر این اســـت که بایستی برای جوان‌ها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید برای جذب جوان برنامه‌ریزی کرد. نه اینکه ما با حضور میان‌سال و پیرمرد در مســـجد مخالفیم؛ نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، امّا جوان‌ها را باید جذب مسجد بکنیم. اینکه جوان، مســـجد را خانه خود و جایگاه خود بشناسد و به آن اُنس پیدا کند و رفت‌وآمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد. در جامعه، کار را جوان‌ها انجام می‌دهند، پیشران حرکت‌های اجتماعی جوان‌ها هستند، این‌ها هستند که کار می‌کنند، تـــلاش می‌کنند. جاذبه برای جـــوان برخلاف آنچه بعضی

تصوّر می‌کنند، گذاشـــتن میز پینگ‌پنگ نیســـت. بعضی خیال می‌کنند برای اینکه جوان‌ها را به مسجد جذب کنیم، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا [انجام می‌داد] که آن نویسنده مصری می‌گوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه‌ای زده‌اند که مثلاً فرض کنید که امشـــب از ســـاعت فلان در سالن کنار کلیســـا، آن طرف محراب، این برنامه‌ها هست: برنامه رقص است و آواز است و موسیقی است و یک شام سبکی اســـت و اُنس هست و مانند این‌ها. می‌گفت حسّاس شدم، رفتم دیدم بله، همین است؛ اینجا سالن کلیسا است، یک سالن هم بغلش هســـت مثل یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان‌سال‌ها می‌آیند تماشا می‌کنند؛ دختر و پسرها هم میدان‌دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغ‌ها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم‌نور بشـــود و فضا [خاص شـــود]، می‌گفت رفتم بیرون؛ فردا برگشـــتم آمدم آن کشیش را در کلیسا پیدا [کردم]؛ گفتم من دیشب در این جلسه شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، می‌خواهیم جوان‌ها را جذب کنیم! جوان‌ها را می‌خواهیم [جذب کنیم]! اگر بنا اســـت با رقص و آواز و موسیقی و امثال این‌ها جوان جذب بشود، خب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟

راه جذب جوان‌ها تصرّف دل جوان اســـت. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویّت یکی از آن رازهای بزرگ الهی اســـت. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش می‌کنم، حدّاکثر اندکی تأثّـــر پیدا می‌کنم، [امّا] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب می‌شـــود، از این رو به آن رو می‌شـــود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ «فِطرَتَ اللهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها»[1]. دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا می‌کند، زود اُنس پیدا می‌کند، زود دلباخته و دلبســـته می‌شود؛ جاذبه جوان‌ها این‌ها اســـت. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویّت، با عرفان واقعی، نه عرفان‌های تخیّلی و توهّمی و صوری، یک مقداری آمیخته کنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب می‌شود و می‌آید. جاذبه جوان در مسجد، این‌ها است. وَالّا حالا یک وسیله بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند.

۱. سوره روم، بخشی از آیه ۳۰؛ «... همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است...».

تاریخ مساجد، باید حفظ شود

یک نکته دیگر هم عرض بکنیم؛ مساجد ما یعنی مساجدی که امروز خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی هستند و غالباً سی سال، چهل سال عمر دارند، یک تاریخ شنیدنی و زیبایی دارند؛ غالباً این‌جور هستند. در این مساجد علمایی آمده‌اند، ائمّه جماعتی آمده‌اند، رفتارهایی داشته‌اند، برخوردهایی داشته‌اند، مؤمنینی در اینجا آمده‌اند، جوان‌هایی در اینجا تربیت شده‌اند، از اینجا بسیج‌هایی صورت گرفته، شهدایی [داده‌اند]، پیکرهای شهیدی به این مساجد برگشته‌اند؛ این‌ها تاریخ است، این‌ها سرگذشت‌های جذّاب یک مسجد است؛ این سرگذشت‌ها را باید حفظ کرد. هرکدام از این مساجد می‌تواند یک سرگذشت واقعیِ جذّابِ درس‌آموزی داشته باشد برای کسانی که امروز در مسجدند و کسانی که فردا به این مسجد خواهند آمد؛ این را در قالب‌های گوناگون ـ قالب کتاب، قالب مقالات مجلّه‌ای، قالب عکس، قالب کلیپ ـ می‌شود درآورد؛ این‌ها را می‌شود تبیین کرد. چقدر از این مساجد هستند که شهدای نام‌آوری در این مساجد تربیت پیدا کردند، بعد خارج شدند و در راه خدا به شهادت رسیدند؛ این تاریخ را ما بایستی حفظ کنیم.

روز مسجد، یک روز انقلابی

فراموش نکنیم که «روز مسجد» اساساً یک روز انقلابی است؛ یعنی تشکیل این روز و تعیین این روز که به خواست و مطالبه جمهوری اسلامی بود و در سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان «روز مسجد» تصویب شد، به‌مناسبت آتش‌زدن مسجدالاقصی است؛ به‌مناسبت مقابله با دشمن صهیونیست است؛ اساس این روز یک چنین اساسی است؛ با این نگاه به روز مسجد نگاه کنید و حرکت را در این مسیر قرار بدهید.

من به شما عرض بکنم، علی‌رغم همه دشمنی‌هایی که امروز دارد می‌شود ـ که ما طبعاً آگاهی‌های خیلی وسیعی داریم نسبت به آنچه امروز دارد انجام می‌گیرد؛ چه در زمینه‌های سخت و چه در زمینه‌های نیمه‌سخت و چه در زمینه‌های نرم؛ چه در زمینه‌های آشکار و چه در زمینه‌های پنهان؛ خیلی کار دارد انجام می‌گیرد علیه نظام جمهوری اسلامی به شکل‌های مختلف ـ این کلمه طیّبه که واقعاً «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فِي السَّماءِ»[1]، [یعنی] نظام جمهوری

۱. سوره ابراهیم، بخشی از آیه ۲۴؛ «... مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است.»

اسلامی روزبه‌روز در حال استحکام بیشتر است. بحمدالله خدای متعال تفضّلات خودش را بر ماها تمام کرده است؛ ما بایستی شاکر باشیم، قدر نعمت الهی را بدانیم و با امید ان‌شاءالله در این راه پیش برویم. من نگاه که می‌کنم به جمع شما برادران عزیزی که اینجا تشریف دارید، احساس می‌کنم ان‌شاءالله آینده مساجد ما هم از گذشته آن بمراتب بهتر خواهد بود.

امیدواریم خداوند شما را مشمول لطف خود و هدایت خود و رحمت قرار بدهد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

شیوه کار در مسجد		
۱	**برگزاری جلسات رودررو با مأمومین**	حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثّرتر است... اگرچنانچه این سلسله عظیم ائمه جماعات، خوب کار کند و در همه‌جا کار کند... می‌توانید جوان و مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیّت ببخشید.
۲	**برقراری نماز جماعت در اوقات سه‌گانه نماز**	مسجد بایستی برقرار باشد؛ وقت نماز، مسجد باید باز باشد. هرسه وقت در مسجد باید نماز جماعت برگزار بشود؛ بنا را بر این باید گذاشت.
۳	**پرهیز از سکولار شدن مسجد**	بعضی‌ها مسجد را از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلّی برکنار بدارند. [می‌گویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است.
٤	**ایجاد جایگاه خاص برای جوانان در مسجد**	باید برای جذب جوان برنامه‌ریزی کرد... اینکه جوان مسجد را خانه‌ی خود و جایگاه خود بشناسد و به آن اُنس پیدا کند و رفت‌وآمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد.
۵	**حفظ و تبیین تاریخ و سرگذشت مساجد**	مساجد ما غالباً سی‌چهل‌سال عمر دارند، تاریخ شنیدنی و زیبایی دارند؛ در این مساجد علما و ائمّه جماعتی آمده‌اند، رفتارهایی داشته‌اند، مؤمنینی آمده‌اند، جوان‌هایی تربیت شده‌اند، بسیج‌هایی صورت گرفته، شهدایی [داده‌اند]، پیکرهای شهیدی به این مساجد برگشته‌اند؛ اینها تاریخ است، اینها سرگذشت‌های جذّاب یک مسجد است؛ این سرگذشت‌ها را باید حفظ کرد... اینها را می‌شود تبیین کرد.

هیأت تراز انقلاب اسلامی،
همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود.
همان هیأت‌الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشد.
هیأتی‌است‌که‌شایسته‌برپایی‌در‌حضور‌حضرتش‌باشد.هیأتی آماده‌حضور‌وظهور...
ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار
می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

❊ ❊ ❊

در «آفتاب»، درجستجوی ابعاد و شاخصه‌های «هیأت تراز انقلاب اسلامی»
پای بیانات امام راحل رحمه‌الله
و رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی) می نشینیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است
که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرام هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org